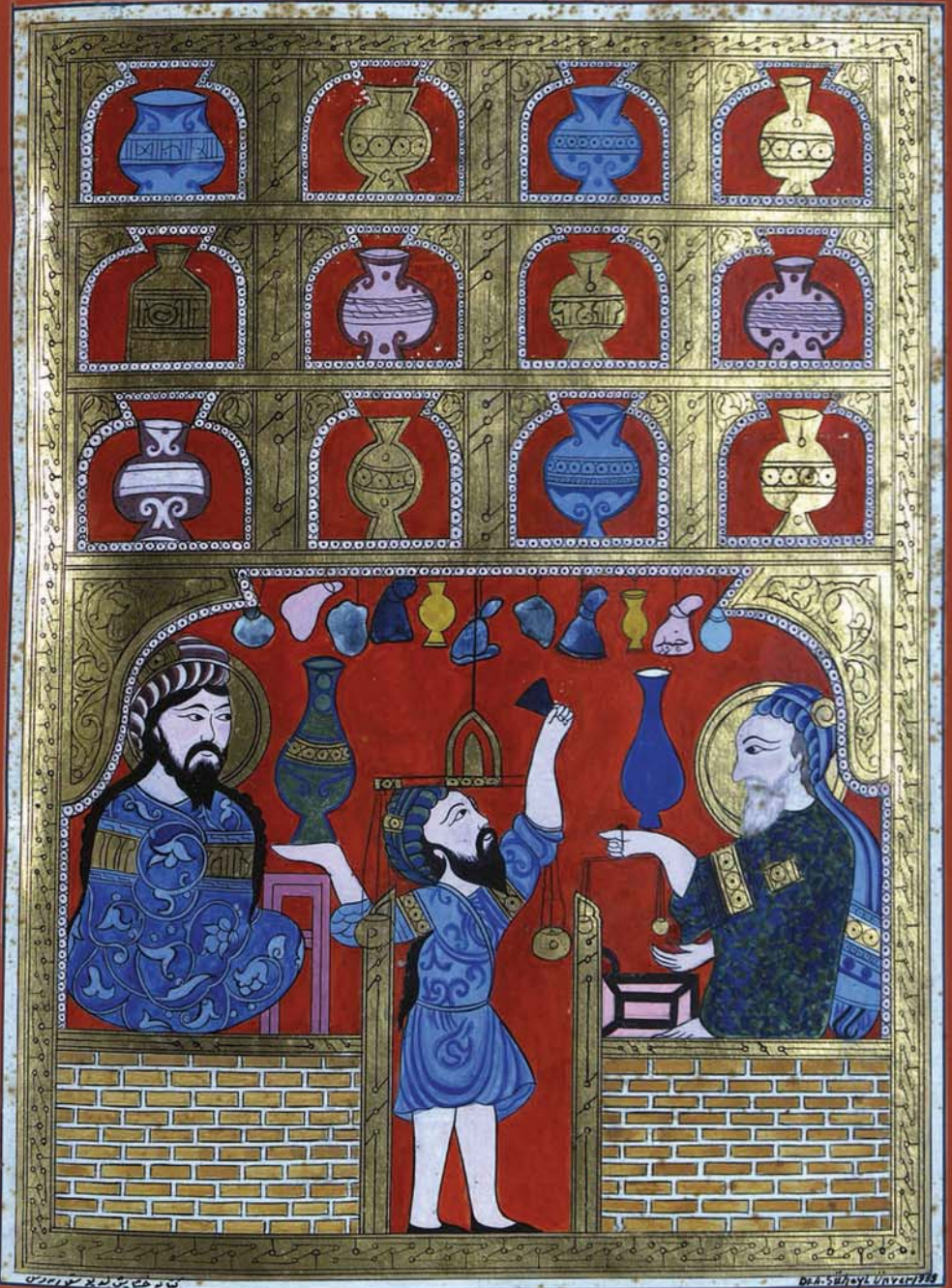


## فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۳۹۷ | انتشار بهار ۱۳۹۹

سرسختن؛ میراث مکتوب و نقش آن • درباره برخی تغییرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدی نهنقی • کتاب‌المصادر ابوغلی تیرانی / علی‌ابراهیم صادقی • فرمان جهان‌شاه قراقوبولو در منع عزاداری محرم (بمناسبت ۱۳۶۵ق) / عبداللین شیخ‌المکملی • نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان‌نویسی / تاب شیرازی • مکر الهی / مصدقین کوشی • تسخانی تازیانیت از ارشاد قلاسی در لندن / ماری پوناشی • دست‌نویس کهن قابوس‌نامه و چاپ حرفی آن / سمیرا قلاسی • «بِسْکُو» یا «بِسْکُو»؟ جای نامی در تاریخ سیستان / جواد معتمدی حکم • سیمسار پرتاب‌بده / مریم بیروسی / رباعی خیم در ریاض هندوشاه نخبجویی / سید علی برافلسی • کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن با دستگاه آل چالویر در تبریز و بغداد / علی صفوی آق‌نهنه • معنوی و ارزشی مقلداتی هفت نسخه‌شاهنامه، مقدم بر نیمه دوم سده هشتم / علی شایبوان • درباره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر رفغان • بخش‌هایی از انیس‌الوحده در جنگی متعلق به اوایل سده نهم / علی رحیمی واریانی • اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / حسن شریفی ضعی • درباره تصحیح جامع‌اللغات نیازی / امین خدیووست • ادبیات فارسی بیرون از ایران (سیف‌آه هند، آملی، آسیای میانه، و در فارسی بیودی) / مصدقین کوشی • القانون فی الطب (کتاب‌الاول فی الامور الکتابیه من علم الطب) / سید نصرالله زاده / نگاهی به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زبدة الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرضی موسوی • مدخل حسانه ملی ایران / فاطمه حتمیان • ریشه‌شناسی چه می‌کنند؟ (۴) / سید احمدرضا قلم‌نمائی • آثار راشد محمد افندی / ملاحظاتی در باب نقد کتاب ازل القانون فی الطب / بهجت‌علی حسینی • پاسخی به نقد دیوان منوچهری / سید شیری



فصلنامه اطلاع رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه شناسی و ایران شناسی دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم بهار - تابستان ۱۳۹۷ [انتشار: بهار ۱۳۹۹]

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir  
 gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۲۵۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: نگاره آغاز کتاب الحشایش دیوسقوریدس در مجموعه پزشکی ۳۷۰۳، کتابخانه ایاصوفیا، مورخ ۶۲۱ق، به نسخ خوش عبدالله بن الفضل سبط الاعز. در این نگاره یک دکان دارو فروشی دیده می شود. بر روی یکی از اشیاء آویخته از بالای دکان، نام «جنید» نوشته شده که به ظاهر نام نگارگر این نسخه است.

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

## فهرست

### سر سخن

میراث مکتوب و نقش آن..... ۲-۵

### بجستار

در باره برخی تعبیرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدوی دامغانی..... ۶-۷

کتاب المصادر ابوعلی تیزانی / علی اشرف صادقی..... ۸

فرمان جهان شاه قراقویونلو در منع عزاداری محرم (به تاریخ ۸۶۵ق) / عمادالدین شیخ الحکامی..... ۹-۱۲

نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان نویسی / نایب شیرازی..... ۱۳-۱۵

مکر الهی / مجدالدین کیوانی..... ۱۶-۲۷

نسخه ای تازه یافت از ارشاد قلانسی در لندن / عارف نوشاهی..... ۲۸-۳۱

دستنویس کهن قابوس نامه و چاپ حروفی آن / مسعود قاسمی..... ۳۲-۴۶

«بسکو» یا «بسکر»؟ جای نامی در تاریخ سیستان / جواد محمّدی خمک..... ۴۷-۴۹

سپه سار برن تابید پیه / مریم میرشمسی..... ۵۰-۵۲

رباعی خیتام در بیاض هندوشاه نخبجوانی / سیدعلی میرافضلی..... ۵۳-۵۴

کهن ترین نمونه های شناخته شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن بادستگاه آل جلاپیر در

تبریز و بغداد / علی صفری آق قلعه..... ۵۵-۸۵

معرفی و ارزیابی مقدّماتی هفت نسخه شاهنامه مقدّم بر نیمه دوم سده هشتم / علی شاپوران..... ۸۶-۱۰۰

در باره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر ارغوان..... ۱۰۱-۱۱۲

بخش هایی از انیس الوحده در جنگی متعلق به اوایل سده نهم / علی رحیمی واریانی..... ۱۱۳-۱۱۵

اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / محسن شریفی صحنی..... ۱۱۶-۱۲۰

### نقد و بررسی

در باره تصحیح جامع اللغات نیازی / امین حق پرست..... ۱۲۱-۱۲۵

ادبیات فارسی بیرون از ایران (شبه قاره هند، آناتولی، آسیای میانه، و در فارسی یهودی) / مجدالدین کیوانی..... ۱۲۶-۱۳۷

القانون فی الطب (الكتاب الأول، فی الأمور الكلية من علم الطب) / سعید فتحعلی زاده..... ۱۳۸-۱۵۴

نگاهی به تصحیح خلاصه الاشعار و زبده الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرتضی موسوی..... ۱۵۵-۱۶۳

مدخل حماسه ملی ایران / فاطمه حمصیان..... ۱۶۴-۱۶۷

### پژوهش های دبستان

ریشه شناس چه می کند؟ (۴) / سید احمد رضا قائم مقامی..... ۱۶۸-۱۷۴

### ایران در متون و منابع عثمانی

آثار راشد محمّد افندی / نصرالله صالحی..... ۱۷۵-۱۷۷

### دوره نوسازی پشین

ملاحظات در باب نقد کتاب اول القانون فی الطب / نجفقلی حبیبی..... ۱۷۸-۱۹۰

پاسخی به نقد دیوان منوچهری / سعید شیری..... ۱۹۱-۱۹۹

تساهل و تسامح با مردم تحت حکومت است. هدف از این یادداشت، معرفی و بازخوانی فرمانی از جهان‌شاه خطاب به مردم آذربایجان و به‌ویژه شهر تبریز، مقرر حکومت اوست، که وجهی دیگر از باور رسمی او را به نمایش می‌گذارد. محتوای این سند ارزش دیگری نیز دارد و نشان می‌دهد که مراسم و آیین‌های بزرگداشت واقعه عاشورا و سنت‌های عامیانه و رایج در این باب، در آذربایجان و به‌ویژه تبریز پیش از دوره صفوی رواج جدی داشته‌است. تنها نسخه موجود از این فرمان در جنگی از سده نهم هجری به شماره ۳۷۸۱ در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود.

به نظر می‌رسد نسخه موجود، از اصل سند رو نویسی شده و بخشی از ویژگی‌های کتابتی نسخه اصل، چون جایگاه تسمیه و طغرا و توقیع و شیوه نگارش، در بازنویسی آن رعایت شده‌است. به رسم رایج فرمان‌نویسی در این دوره، خط نسخه، تعلیق بی‌نقطه است. در حاشیه و لابلاهی سطور صفحات مربوط به این سند در نسخه خطی، سند دیگری کتابت شده که قرائت متن اصلی را کمی دشوار می‌کند. در صحافی‌های دوره‌های بعد، کمی از لبه نسخه بریده شده و کلماتی از انتهای سطور افتاده‌است.

تاریخ صدور سند، ۲۰ ربیع‌الاول ۸۶۵ق، یعنی هفت سال پیش از مرگ جهان‌شاه است. مضمون کلی سند، پس از تأکید بر وظیفه سلطان برای جلوگیری از بدعت و طغیان و انهدام حدود رفض و اهل فساد، آن است که بنا بر گزارش قاضی مجدالدین که جایگاهی بلند نزد سلطان دارد، گروهی کافر و معاند اهل سنت، رفتارهایی خلاف دین دارند و سب صحابه و رفض ائمه می‌کنند. بنابراین، عموم مردم آذربایجان و به‌ویژه تبریز باید که از «اظهار عاشور و تقریر وقایع دهه محرم و تجریح اعضا و شیون بر ملا» پرهیز کنند. و هر کس که مرتکب این امور بشود بر اساس شرع باید «تشهیر و تعذیب و تعزیر و تأدیب» شود تا درس عبرتی برای دیگر بی‌دینان باشد.

و اما در باب قاضی مجدالدین مذکور در متن، عجالتاً آگاهی زیادی به دست نیامد. فسایی در جلد دوم فارسنامه ناصری، در ذیل «سلسله وزاری که از شیراز برخاسته‌اند» از یکی از وزرای پسر جهان‌شاه با این لقب یاد می‌کند:  
امیر مجدالدین اسماعیل شیرازی که ماهی بود بر آسمان

## فرمان جهان‌شاه قراقویونلو در منع عزاداری محرم به تاریخ ۸۶۵ق

عمادالدین شیخ الحکمایی

پژوهشگر مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران  
emad\_hokamai@yahoo.com

مذهب ابوالمظفر جهان‌شاه بن قرايوسف قراقویونلو (حک ۸۴۱-۸۷۲ق)، پادشاه مقتدر سده نهم هجری، همچنان محل گفت‌وگوست. فارغ از نظرهای جهت‌دار که او را شیعه متعصب<sup>۱</sup> یا فاسد و تباه‌کننده اسلام<sup>۲</sup> و یا، بر پایه تخلص «حقیقی»، او را از صوفیان اهل حق دانسته‌اند،<sup>۳</sup> می‌توان بدون پیش‌داوری و بر پایه عملکرد و آثار بازمانده از او به قضاوت بهتری رسید. از جهان‌شاه سکه‌هایی با شعار «علی ولی الله» باقی مانده‌است، اما بیشتر سکه‌های زمان او حاوی نام خلفای چارگانه است.<sup>۴</sup> در وقف‌نامه مجموعه مظفریه تبریز، شرط انتخاب واعظ و امام جماعت، اهل سنت و جماعت بودن است<sup>۵</sup> و در عین حال بر کاشی‌های زیبای مسجد کبود، شعار «علی ولی الله»، نام ائمه شیعه و نام خلفای چارگانه توأمان دیده می‌شود. تردیدی نیست که بخش قابل توجهی از این رفتار چنگدانه ناشی از نگاه سیاسی و لزوم

۱. نورالله شوشتری. مجالس المؤمنین. تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۷: ج ۲/ص ۳۶۷ و ۴۲۸.
۲. فضل‌الله بن روزبهان خنجی. تاریخ عالم آرای امینی. به کوشش محمد اکبر عشیقی. تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۲: ص ۳۴.
۳. رک. دیوان میرزا جهان‌شاه حقیقی. تهران، فیروزان، ۱۳۸۰.
۴. ترابی طباطبایی، سید جمال‌الدین. تاریخ تبریز به روایت سکه و ضمام. تبریز، مؤلف، ۱۳۸۴: ص ۱۱۱-۱۵۷.
۵. محمد جواد مشکور. تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری. تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲: ص ۶۷۳، ۶۷۵؛ نیز رک. ترابی طباطبایی، سید جمال‌الدین. مسجد کبود فیروزه اسلام، تبریز، مهد آزادی، ۱۳۷۹: ص ۴۱.

جلالت در سال هشتصد و [...] به وزارت میرزا پیریداق  
پسر سلطان میرزا جهانشاه قراقویونلو ترکمان برقرار گشته تا  
عمرش تمام شد.<sup>۱</sup>

که فسایی از او با عنوان «امیر» یاد می‌کند و نه «قاضی».  
در زیر تصویر طغرا و تویع فرمان دیگری از جهانشاه را می‌بینید  
(قائم‌مقامی، جهانگیر. مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی. تهران،  
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۵۰: ۱۸۹):

در باره یکی بودن این دو شخص نمی‌توان نظری قطعی داد، چرا



## متن فرمان

از آغاز انتسام نسایم شمایم شمول شمایل عظمت و کامگاری و انتظام جواهر شواهد و وصول کمال جلایل شوکت و نامداری، جوامع همّت بلند و تمامی نَهْمَت ارجمند، مصروف و موقوف بدان داشته‌ایم که قواعد مراتب مناصب ملّت حنیف «و الله دین»<sup>۳</sup> و مساعد کواکب ثواقب شرع شریف خاتم النبیین در اوج اعلیٰ العلیّین و ذرّوۀ چرخ برین باشد، لاجرم همواره نجوم نیل مقاصد دو جهانی، متساعد و رسوم نشر مرصّد جاودانی، متزاید است. و هذا بفضل الکریم المهیمن.

جریان عیون<sup>۴</sup> این معنی و فیضان شجون این دعوی جاری و فیاض بر آن است که مقصود اصلی ما را از سکون و حرکت،<sup>۵</sup> اطفای شرّ شرّ است و از مقام [و] نهضت، مطلوب کلّی، افنای ضرر ضرّ. تنفیذ اوامر و نواهی که از فیض الطاف نامتناهی الهی، ما را حاصل و واصل می‌گردد، استدامت قوایم دین و استقامت دعایم یقین می‌دانیم و می‌خواهیم که به همه حال خضارت ریاض ایمان و نضارت غیاض ایقان، شامل و کامل، و عمارت معاهد حقیقت انخلال نگیرد، و امارت مشارع شریعت اختلال نپذیرد. چون دست به عنان آسمان جولان دراز می‌کنیم، کوکبۀ اقبال، مواکب ما را استقبال می‌نماید. پیش از آنکه پای فلک فرسا در زمین آرام می‌آریم، طلایع بدایع صنایع واهب المواهب از مطالع آمال طالع می‌شود.

خَصَّصْتُ بِالْمَوَاهِبِ وَاللُّطْفِ وَالْعَطَاءِ

و ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ﴾ [ص ۳۶] یُوْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ﴿۶﴾

به فحوای این تسبیحات و مقتضای [این] ترتیبات، چون عالی جناب تقوی مآب اورعی اعلمی اقصی القضااتی، مولانا و قاضی الاسلام الاعظم الاعلم، علامه الأئمّة و العلماء فی

## [ص ۳۴] هو الله العزيز المستعان

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ [و البقی] یعظّم لعلمک تذکرون ﴿[نحل ۹۰/۱۶]﴾  
بالقوة الأحديّة و العناية الأزليّة و المعجزات المحمّديّة و  
الدولة المظفّريّة، ابوالمظفر جهانشاه، سوز[و] میز

حمداً لله المعبود المَنَّان و شكراً للرحمن الودود السَّبْحان؛ تعزّز و تعالی و تقدّس و توالی که صدور ع[ظام] ثقات اسلام را روشن داشته به انوار هدایت و توفیق و قلوب امنای قضات انام را روشن ساخته با [نوار] معرفت و تحقیق. و صلّی الله علی النّبی الصّادق الصّدیق و علی آله و صحبه الرّفیق الشّفیق. بر رای رز[ین] مالکان از مّه علم و فتوا و قایدان اعنّه زهد و تقوا پوشیده نیست که قطع موادّ ارباب بدعت و طغیان و دفع فساد اصحاب ریب و عصیان و رفع عناد زمره شرک و خذلان و قمع بنیاد شرّ و عدوان به دلایل قاطعه البرهان و وسایل ساطعة البیان ﴿و لو [لا] دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت﴾ [بقره ۲۵۱/۱] موجب اندفاع فواید مزاج زمین و زمان و انتفاع فواید [علا] [اج] امن و امان به واسطه ارتقای معارج ملک و ملت و رابطه مدارج دین و دولت است. قال النّبی الحمید الرّشید: «مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِي عِنْدَ فِسَادِ أُمَّتِي، فَلَهُ أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ». چون به مبا [دی] عواطف ابدیّه حضرت احدیّه [و] به محاسن عوارف سرمدیّه جناب صمدیّه، شمع مرا [د ما] را به نور انجام ﴿مثل نوره كمشكاة فيها مصباح﴾ [نور ۳۵/۲] افرورخته و دست فیاض ما را به اف [بتتاح] ابواب ﴿[و] الله يؤيد بنصره من يشاء﴾ [آل عمران ۱۳/۳] مفتاح نجاح ساخته، و ارتضای اقتضای هدایت از [لی] [ص ۳۵] و عنایت لم یزلی که «السّعيد سعید فی الأزل»

۳. اصل: رسب دس.

۴. اصل: عنوان.

۵. اصل: + و.

۶. حدید ۲۱/۵۷؛ جمعه ۳/۶.

۱. فسایی، حسن بن حسن. فارسنامه ناصری. به تصحیح و تحشیۀ منصور رستگار فسائی. تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲: ج ۲/ص ۱۱۸۴.  
۲. اصل: قواعد.

العالم، مقتدی الأنام بالاتفاق، مهتدی الأيام بالإستحقاق، حاوی دقائق المصباح، شارح حقایق الکشاف، ماحی ارباب البدعة و الاعتساف، مجدداً للحق و الملة و الدین - ابدت ظلاله المتین علی مفارق المسلمین - با کمال علم و حکمت و وفور حلم و فضیلت و غایت زهد و امانت و نهایت دین و دیانت، مستعد آن بود که ذات قدسی صفات او مطلع انوار علوم و افضال و مظهر آثار فضل و کمال گردد، تابدان واسطه، ساحت احوال او را نظر عنایت آفتاب خاصیت ما مطرح شعاع انواع اصطناع گرداند «لله الحمد که بر وفق مراد است قضا» حسن اهتمام و یمن التفات تمام رقم ﴿لهم الدرجات العلی﴾ [طه ۱/ ۷۵] بر صفحه حال او نگاشته و به اصناف اعزاز و احترام معزز و محترم داشته، به پایه ای رسانیده که بر طوایف امم، شرف تفوق یافته و در صدد آن است که مابین حق و باطل ممیز بوده، أعراض و جواهر حلال از حرام ممیز گرداند، مصلحت ابطال و اثبات معتقد و مجتهد به قبضه عنایت اوست و عیار نقد موحد و ملحد بر محک امتحان و تجربت او.

در این وقت که صحیفه شریفه جناب افضی القضاتی مشارالیه [که] به تقریر ظهور مذاهب و خروج اباطیل، اعنی مُنکران سنن نبوی و طاعنان طریق مصطفوی و طاغیان فرایض<sup>۲</sup> دین و ملت و معاندان ارباب سنت و جماعت و قاصدان اصحاب طاعت و عبادت، تحریر نموده بود، [به] شرف استماع رسید و به وقوف و اطلاع پیوست، ﴿فأتوا جأثم﴾ [ما] عرفوا کفروا به ﴿[بقره ۱/ ۸۹] آنچه در باب کفره فجره و خسره سخره فی الدنیا و الآخرة نوشته بود که سب صحابه منتخبین [ص ۳۷] و رفض ائمه متجبین می نمایند<sup>۳</sup>، و ابواب بدعات به مفتاح عدوان می گشایند، چون افضی القضاتی أعلم است و در این قضایا به وصایا احتیاج ندارد و آمر و ناهی این امور اوست، می باید که در احکام احکام خیر الأنام و إعلائی اعلام ملت کرام کوشیده، در انهدام حدود رفض و اهل فساد و اثلام حدود تعصب و عناد، غایت اجتهاد مبذول دارد. و هر فردی از افراد که قدم از بساط شرع مطهر فراتر

نهد و از جاده دین ازهر تجاوز جایز دارد، به اجرای حدود و تعزیرات، علی نهج الشرایع تقدّم نماید؛ و به اعانت ابرار و اهانت اشرار و اختیار اختیار و تغییر فجار، غایت سعی و دین داری رعایت نماید.

سبیل فرقه نقبای سادات و زمره علمای قضات و افواج فضلائی فحول و اجماع کبرای عدول و کرام صدور انام و عظام، بدور ایام، و اعیان کبار اسلام و ارکان ذوی الإقتدار<sup>۴</sup> عالی مقام و ارباب احتساب و اهالی و اعالی و عمال و نواب و همگی سکنه و جملگی وطنه آذربایجان عموماً، و دارالسلطنه تبریز خصوصاً، آنکه منتهای جد و مبتغای جهد بر نهی این فعال ذمیمه و رمی این خصال ردیه مقصور دارند. چون به موجب فتاوی ائمه اسلام، اظهار عاشور و تقریر وقایع دهه<sup>۵</sup> محرم حرام است، و تجریح اعضا و تشریح قضایا و شیون بر ملا واجب نیست، مقرر فرمودیم که مطلقاً عاشور نخوانند و من بعد هیچ آفریده در آن شیوه نامشروع شروع نمایند. و هر کس که متعرض این امر شنیع گردد، به مقتضای شریعت غراً، تشهیر و تعذیب و تعزیر و تأذیب او نموده، نوعی سازند که عبرت سایر مخالفان دین و ضدان شرع سید المرسلین شود.

من کلّ الأبواب از فرمان جهان مطاع واجب الاتباع [ص ۳۸] - نفذ [ه] الله فی الأمصار و البقاع و الأقطار و الأصقاع - عدول ننمایند. و از نکایت شکایت جناب افضی القضاة مشار الیه اجتناب نموده، ذکر شکر او را ارتکاب کنند، تا مستحقّ مزید عاطفت و مرحمت گردند، و محیط دایره امر الهی و مدار مرکز طعن نامتناهی نشوند.

تبدیل کننده مخاطب خواهد بود. و چون به توفیق و قیام رفیع منیع اشرف اعلی مشرف و معلی و مزین و محلی گردد، اعتماد نمایند. والعهدة الیهم و الإعتقاد علیهم.

کتب بالامر العالی - اعلاه الله تعالی و خلده نفاذه - فی عشرين شهر ربيع الاول سنة خمس و ستین و ثمان مائة هجرية النبوية، علیه السلام.  
ربّ اختتم بالخیر و الحسنی!

۴. اصل: ذوی الاقدار.  
۵. اصل: دية.

۱. اصل: درجات.  
۲. اصل: + و.  
۳. اصل: می نماید.